

نگاه

کارگران فلوکسیتین بخورند



زهره فلیچی

بازار ارز پرتلاطم است. هرازگاهی گویا هوای ارزی کشور توفانی می‌شود و تلاطم به جان کشتی‌ای می‌افتد که به قول آن طنز سفرکرده «عن قریب است به گل بنشیند». همان اول صبح که خواب از چشمانت ربوده می‌شود و دستی به آب می‌رسانی، ناگاه خبر می‌آید که دلار فلان قیمت را رد کرده و دارد سربالایی می‌رود و به ظهر نرسیده باز خبر می‌آید نصف آنچه بالا رفته بود، پایین آمده است. موضوعی که در دیگر نقاط دنیا به تعجب به آن نگرسته می‌شود.

همین چندی پیش به این واسطه که همشیره در هندوستان به تحصیل می‌پرداخت و لاجرم به آنجا آموشدهایی داشته‌ام و دوستانی از آن ملیت، برای خود گرد آورده‌ام کپ و گفت‌هایی درباره سفر بر بستر مجازی شکل گرفت و به طور طبیعی این گفت‌وگو به دعوت آنها برای سفر به کشور هفتادودو ملت، انجامید. پاسخ این بود که: حالا دلار گران شده و سفر به دلیل هزینه‌های بالای آن سخت شده است.

از شما می‌پرسم: تصور می‌کنید، واکنش آنها چه بود؟ هیچ پسان آنکه شاعر شعرهای فاخر می‌فرماید: ایرو می‌ندازی بالا بالا! آنها هم چنین کردند اما از تعجب. سؤال آن بیچارگان هندی این بود: دلار گران شده یعنی چه؟

این سؤال مثل یک پتک توی سرم خورد و تازه فهمیدم که برای بسیاری آنچه ما هر روز تجربه می‌کنیم، یک شوخی است. وقتی وضع را برای آتهایی که خارج از این مرز و بر کره ارض می‌زی‌اند تعریف کنید، تصورشان این است که شوخی می‌کنید به این دلیل که اساسا آنچه گرانی‌اش بر قیمت‌ها در سبزی‌فروشی‌های ما مؤثر است، بر کل زندگی آنها نیز تأثیر چندانی ندارد و ملل دیگر نقاط جغرافیا، اساسا با این معضل آشنایی ندارند.

تمام این ماجرا آنجا خنده تلخ روی لبان مبارک نقش می‌اندازد که به بقالی سر کوچه‌تان مراجعه کنید و مثلا یک قالب پنیر بخريد و بعد از مشاهده قیمت، این سؤال را بپرسید که چرا از هفته قبل گران‌تر شده و آقای بقال، با پوزخندی جواب دهد: دلار گران شده است. اینجا دقیقا همان نقطه‌ای است که با تمام وجود به سمت ناامیدی از وضع اقتصاد و زیست روی می‌آوردید و مصرف فلوکسیتین در شما روز به روز افزایش پیدا می‌کند و احتملا به سمت این بخش از علم «حساب‌الاعدا» می‌روید که جمع، تفریق و تقسیم از الزامات اساسی آن است. الزاماتی که شما را مجاب می‌کند تا هر چه نیاز است بخريد، نگاهی به جیب‌تان بیندازید چرتکه به دست از این مغازه به آن مغازه سرک بکشید تا بشود با زور معادله تطابق حقوق و نیازمندی‌ها را تا سر برج آتی، بره‌بر کنید!

وضع این محاسبات آنجا غلط می‌شود که ناگاه وقتی خبری را می‌خوانید این جملات زارت توی چشمتان می‌رود که: افزایش ۳۵ درصدی حداقل حقوق کارگران و افزایش ۲۰ درصدی حقوق بازنشستگان در مقابل افزایش تورم بیش از ۴۵ درصد نشان می‌دهد که قرار است سال ۱۴۰۳ سالی بدون دشواری برای بسیاری از افراد باشد. افزایش نرخ دلار اولین ضربه را به تولید وارد می‌کند و همین باعث می‌شود تولیدکنندگان یا از تولید دست بکشند یا با افزایش قیمت‌ها سعی در تامین هزینه‌های خود داشته باشند. مسئله اینجااست که افزایش قیمت با توجه به کاهش قدرت خرید مردم نیز برای تولیدکنندگان فایده‌ای نخواهد داشت. بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر این باورند که سال ۱۴۰۳ از نظر معیشتی می‌تواند سال سختی برای مردم باشد و از طرف دیگر اخباری مبنی بر کسری بودجه ۶۰ درصدی دولت هم بر این مشکلات دامن می‌زند. همچنین افزایش ۵۰ درصدی مالیات‌ها که به منظور تامین کسری بودجه انجام شده است خود باعث فشار مضاعفی به قشر فرودست جامعه می‌شود.

از همین رو این روزها بازنشستگان زیاد گله می‌کنند و از احقاق حقوق از دست‌رفته‌شان حرف می‌زنند؛ حقوقی که به گفته اکثریت قریب به اتفاق آنها ریالی است و هزینه‌هایی که باید پرداخت کنند دلاری محاسبه می‌شود. از سوی دیگر افزایش ۳۵ درصدی حداقل حقوق کارگران نیز مورد تأیید نمایندگان کارگری و البته کارگران شاغل نیست. آنها بر این باورند که هزینه‌های سبب معیشت و میزان تورم برای تعیین دستمزد سال ۱۴۰۳ در نظر گرفته نشده است. شاید گزارش کاهش امید به زندگی ایرانیان را خوانده باشید. در چند و چون آن گزارش که همین چند روز پیش به نقل از ثبت احوال کشور منتشر شد، کاری ندارم اما امید به زندگی جماعت کارگر و حقوق‌بگیر آنجا با محاسبات معمول و چرتکه یا حتی با ماشین حساب مهندسی سر سازگاری ندارد که این بخش به آنچه در بالا آمده، ضمیمه شود؛ با توجه به افزایش ۳۵ درصدی حداقل حقوق کارگران و محاسبه حداقل حقوق ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و نرخ جدید دلار در سال ۱۴۰۳، دریافتی کارگران ایرانی رقمی معادل ۱۷۳ دلار می‌شود. این در حالی است که دریافتی کارگران در کشور ترکیه ۵۶۰ دلار، در عربستان ۸۰۰ دلار و در امارات متحده عربی ۴۰۸ دلار است و کمترین دریافتی مربوط به کارگران آذربایجان است که ۲۰۰ دلار دریافت می‌کنند. اینها بخشی از آمار و ارقامی است که زندگی روزانه کارگران ایرانی را به مرادوات روزمره بازار نراع دلالان و مافیای دلار با دولت (مطابق گفته دولت که می‌گوید مافیای دلار در این کشور عامل اصلی گرانی دلار است) ربط می‌دهد. نزاعی که هیچ‌گاه به نفع کارگران نیست و نقطه‌ای روشن برای بهبود آن وجود ندارد یا دستکم پیش چشم آنها نیست.

کارگران ایرانی امروز ارزان‌ترین کارگران جهان نشده‌اند. امروز دوباره این موضوع تیزتر اخبار شده است و الا اگر به سال‌های پیش هم نگاهی بیندازید همیشه با دخالت‌دادن قیمت دلار و نفوذدادن آن به زندگی روزمره آنها چیز ارزان‌ترین‌ها بوده‌اند از همان روز که حقوق را به ریال به آنها دادند و زندگی و هزینه‌هایش را به دلار با آنها محاسبه کردند، حتی قیمت قبرها را.



انتقادهای به تعیین حداقل مزد و مسئولان وزارت کار ادامه دارد

اعتراض به ساختار یا درخواست استیضاح وزیر

حمیدرضا عظیمی

مات می‌مانم. انکار خشکم زده است. صفحه تبتل بازمانده و دارد تصاویر را روی دور استاندارد رد می‌کند. اما تصاویر در ذهن «احتمالا» بیمار نویسنده این سطور، گاه تند می‌شود و گاه کند. گاه با آهنکی غریب و گاه با موسیقی‌ای حزن‌انگیز از جلوی چشمان ذهن، می‌گذرد. آقای وزیر دارد دست به ریش‌های نصفه‌نیمه‌اش می‌کشد و انکار که دارد خواهش می‌کند، به طرف مقابل می‌گوید حالا من خواهش می‌کنم!

تصاویر دارد روایت می‌کند؛ روایت لحظات پایانی جلسه شورای عالی کار را که درباره تعیین حداقل دستمزد تصمیم‌گیری می‌شود. تصاویر کاملا گویاست. تصاویر تاکیدی است بر مدیریت با نمادی از «ریش سفیدی» مدیریتی که اگر تصمیمی گرفته می‌شود، انکار بر اساس اقتناع نیست. بر اساس دست به ریش کشیدن است؛ بر اساس این است که «تو را قسم به خدا قبول کنی». اینجا اصلا مهم نیست طرف مقابل نمایندگان کارفرمایان بودند که آقای وزیر باید آنها را به این شیوه به راه می‌آورد یا نماینده کارگران. مهم شیوه است. شیوه‌ای که گویا بر مدار ساختاری غلط بنا نهاده شده است. ساختاری که حدود ۵۰ میلیون نفر از جمعیت این کشور را منتظر تصمیمات خود نگه داشته است. اینجا تقصیر آدم‌ها نیست، این تقصیر ساختارهای ناکارآمد است. ساختاری شاید مانند شورای عالی کار!

بحث تعیین مزد کارگران از بهمن و اسفند سال ۱۴۰۲ روی خروجی بسیاری از رسانه‌ها بوده و ماجرای آن هنوز تمام نشده است. همین حالا اگر رسانه‌ها را ورق بزنید، هرروز درباره اینکه چطور شد مزد کارگران در این حد و اندازه، به تصویب رسید، سؤال مطرح شده است. سؤالی که گویا ریشه در ساختاری دارد که باید به تغییر جدی آن فکر کرد.

نامه اعتراضی

یکی، دو روز پیش خبر آمد که قرار است تصمیم شورای عالی کار درباره حداقل مزد تغییر کند. به گمانم دوشنبه بود که ایلنا در مطلبی با عنوان «مصوبه مزد ۱۴۰۳ کارگران تغییر کرد؟» خبر از این داد که یحتمل مصوبه شورای عالی کار درباره افزایش ۳۵ درصدی حقوق حداقل‌بگیران، تغییر خواهد کرد. این رسانه هرچند از کم‌کیف و چگونگی تغییر مصوبه خبر نداد اما نوشت: جلسه شورای عالی کار ساعاتی پیش (در روز دوشنبه) به پایان رسید و در این جلسه مصوبه‌ی جدیدی درباره مزد ۱۴۰۳ کارگران تصویب شد. جزئیات این مصوبه قرار است بعد از ابلاغ از سوی وزارت کار اعلام شود.

به روزهای پایان فروردین‌ماه نزدیک می‌شویم و از آنجا که موعد پرداخت حقوق کارگران رسیده، انتظار می‌رود وزارت کار هرچه سریع‌تر مصوبه جدید مزد ۱۴۰۳ را ابلاغ کند. این خبر خیلی زود با واکنش وزارت کار مواجه شد و رسانه‌های دولت نوشتند: بنا بر اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هرگونه اعلام تشکیل جلسه شورای عالی کار در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین‌ماه امسال بنا به خواست این وزارتخانه تکذیب شد و مصوبه ۲۸ اسفند شورای عالی کار همچنان بابرجا و لازم‌الاجرا است.

این اخبار و شایعات از آنجا نشئت می‌گیرد که کارگران با این میزان افزایش حقوق موافقت ندارند. آنها می‌گویند افزایش ۳۵ درصدی حقوق، با تورم هم‌خوان نیست. از سوی منابع مختلف هم اعلام شده است که کارگران این میزان افزایش کف حقوق را اجحاف و بی‌عدالتی در حق خود می‌دانند. بر همین اساس اقداماتی هم انجام شده است. از جمله تشکیلات خانه کارگر استان مازندران، کانون هم‌هنگی شورای اسلامی کار استان، کانون کارگران بازنشسته تأمین اجتماعی استان مازندران و انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان مازندران، در نامه به معاون اول رئیس‌جمهوری، تغییر مصوبه شورای عالی کار را خواستار شده‌اند. نامه‌ای که با استقبالی جامعه کارگری مواجه شده و گویا حرف دل بسیاری از آنها را زده است. در بخشی از این نامه که در خبرگزاری‌ها نیز منتشر شده، با اشاره به افزایش حقوق مورد نظر شورای عالی کار آمده: تأسف‌بار است که مسئولان این حوزه اقرار صریح به عدم تاب‌آوری و تحمل‌پذیری توان ضعیف اقتصادی کارگران و بازنشستگان در این شرایط سخت و رنج‌آور غول‌لجام‌کسیخته‌تورم بر سفره‌های تهی‌شده آنان دارد ولی به جای رساندن این حقوق متناسب با نرخ تورم عینی و واقعی، این مشکل را برای کارگران و بازنشستگان رقم زدند.

این در حالی است که ماده ۴۱ قانون کار و شرح مقدس بر انصاف و عدالت در حق این جماعت فعال و حیات‌بخش جامعه تأکید مضاعف داشته. کارگران در لسان بزرگان علم و دیانت، ستون اصلی تولید دانسته شده و حیات جامعه مروهون تلاش آنان بیان شده و صداالله با تأسف از قدر‌ناشناسی دولت‌ها و مجالس در ادوار مختلف، ناشی از دانش اندک و ناقص تیم‌های اقتصادی‌شان از حسن اعتماد و همت کارگران و بازنشستگان سوءاستفاده شد و پس از برخورداری از حمایت‌ها و جان‌فشانی‌شان به وقت حمایت، با انواع توجیحات و استدلال بی‌اساس و تحمیل قدرت خود در شورای عالی کار (با حضور سه وزیر از کابینه) بدین‌سان استیصال و فقر اقتصادی را بر این دو قشر شریف موجب می‌شوند، به همین دلیل سخت بر این باوریم که تیم اقتصادی دولت با ارائه مشاوره غیرعلمی و غیرعینی خود، دولت را در تله افکار خود قرار داده است. از باب شاهد مثال اشاره می‌شود به اینکه، هیئت مشاوران اقتصادی متشکل از مسئولان سازمان برنامه‌بودجه و وزارت اقتصادی، سال قبل در جلسه شورای عالی کار با وعده رساندن تورم به ۲۰ درصد، موفق به تنصیح حقوق کارگران با اخذ امضا از نمایندگان کارگران در جلسه شورای عالی کار شده و همه دیدند تا چه اندازه این وعده غیرعملی درآمد و کارگران و بازنشستگان در کنار سایر اقشار، سال ۱۴۰۲ را به جای تورم ۲۰ درصدی با تورم قریب به ۴۵ درصدی با سفره‌ای خالی سپری کردند».

و تأسف دیگر اینکه دولت و مجلس بدون اتکا به آمار واقعی و عینی با بهانه هم‌ترازی حقوق کارگران با کارمندان که البته شعار جذابی به نظر می‌رسید، چه فاجعه‌ای را برای کارگران رقم زدند و این در حالی است که کارمندان فقط ۲۰ درصد از حقوق‌بگیران را شامل می‌شوند و جمعیت ۸۰ درصدی کارگران حقوق‌بگیر محروم از هرگونه دریافتی دیگر به‌جز حقوق ثابت است. در بخش دیگری از این نامه آمده است: «کانون که کارگران و بازنشستگان در نهایت مشقت و نگرانی‌های روحی و روانی و استرس دیگر درحالی‌که مطابق اصول قانون اساسی از درمان رایگان برخوردار نیستند، حتی با پرداخت هزینه درمان مضاعف متحمل هزینه‌های سنگین بخش دارو و درمان می‌باشند. غیر از آن محروم از امنیت شغلی و تشکلات قانونی، در معرض تضعیف و محدودیت شدید قرار دارد».

مجلس تأیید می‌کند

کارگران از اینکه توانایی آنها برای مقابله با سختی‌های اقتصادی کاهش پیدا کرده، ناراحت‌اند. این را می‌شود هم در وجنات آنها دید و هم در حرف و حدیث‌های روزانه‌شان. شاید بر همین اساس باشد که بخشی از مجلس هم با آنها همراهی کرده‌اند. در همین زمینه رحیم زارع، عضو کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگویی رسانه‌ای به این موضوع پرداخته است.

او درصد افزایش کرایه تاکسی و تعرفه پزشکی، جریمه رانندگی و هزینه اینترنت پیش از رشد حقوق کارگران را باعث کاهش انگیزه آنها می‌داند. زارع با اشاره به الزامات توجه به حقوق کارگری در سال مزین به جهش تولید، گفت: انتظار می‌رود در تعیین حقوق کارگران زحمتکش در سال جهش تولید با مشارکت مردم تجدیدنظر شود تا با انگیزه بیشتر فعالیت کنند؛ چراکه به‌طور مثال نرخ سایر کالاها و خدمات بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. با تمام این احوال در مصوبه شورای عالی کار، به‌طور مثال حق مسکن کارگران در سال آتی ثابت مانده است که جای تعجب دارد. قرار نیست مبلغی بابت حق تاهل اضافه شود اما مؤلفه حق مسکن تغییر نکند، این مسائل کارگران عزیز را آزرده‌خاطر کرده است. به اعتقاد این عضو کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، قطعا نرخ تورم باید مهار شود و همه باید در این زمینه کمک کنیم اما برای مهار تورم نباید تمرکز هرساله روی محدودیت افزایش حقوق‌ها باشد.

ساختار معیوب

آنچه این روزها باعث انتقاد شده، همان مصوبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ درباره حداقل حقوق



عکس: محمدرضا سلیمانزادگان/ایرنا

کارگران است. شورایی که کارگران معتقدند ساختاری معیوب دارد و باید ساختار آن را تصحیح کرد، هرچند معتقدند تعیین حداقل حقوق باید در همین ششورا باقی بماند نه اینکه برای پاک‌کردن صورت مسئله و فرار از فشار افکار عمومی در جامعه کارگری، تعیین حداقل حقوق را به مجلس واگذار کرد.

ساختار شورای عالی کار بنابر آنچه کارشناسان امر می‌گویند: ساختاری کارفرمایی است که در رأس آن دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما قرار دارد و قرار نیست در این جمع چیزی تصویب شود که به نفع کارگران باشد. همین چندی پیش بود که آیت اسندی یکی از نمایندگان کارگران در شورای عالی کار با «شرق» به گفت‌وگو نشست و درباره این موضوع بحث‌هایی مطرح کرد. از جمله اینکه شورای عالی کار، هر چند شورایی سه‌جانبه است اما در نهایت درباره هر موضوعی، رأی‌گیری می‌کنند و به این دلیل که خود دولت بزرگ‌ترین کارفرماست با نماینده کارفرمایان هم‌افزایی دارد به همین دلیل «ما قدرت چانه‌زنی نداریم و من به‌عنوان کارشناس به ساختار شورای عالی کار ایراد وارد می‌دانم». نکته قابل اهمیتی که وجود دارد این است که باید ساختار شورا را طوری تغییر داد که نقش تیم کارگری در این شورا پررنگ‌تر شود. ساختاری که نقش کارگران را به‌عنوان عنصر فعال بپذیرد نه به‌عنوان اعضای که بود و نبودشان فرقی ندارد. اسدی درباره نقش نمایندگان کارگران در شورا و در پاسخ به این سؤال که اگر نمایندگان کارگران صورت‌جلسه تعیین مزد را امضا نکنند چه می‌شود، گفته بود: ما دو مرحله این موضوع را تجربه کرده‌ایم. یک‌بار به‌عنوان مخالف امضا کردیم که اتفاقی نیفتاد و یک بار هم صورت‌جلسه را امضا نکردیم و باز هم اتفاقی نیفتاد. شرایط نشان می‌دهد ما راهی جز مذاکره نداریم.

حالا و در این روزها جامعه کارگری هرکدام دارند اعتراض خود را به وزیر نشان می‌دهند. سعید فتاحی، رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان آذربایجان شرقی کارگران معتقد است: نمایندگان کارگری از عملکرد وزیر کار به‌شدت ناراضی و خواستار استیضاح وزیر کار هستند. ایشان نه‌تنها مشکلی از کارگران حل نکردند که اتفاقا با تصمیماتی که در این دو سال گرفتند، وضع کارگران را بدتر هم کردند. باید از وزیر کار و مجموعه دولت پرسید که به کجا می‌رویم؟ با آدامه این وضعیت به جایی می‌رسیم که دیگر حتی کارگران توان فرستادن فرزندانشان به مدرسه را هم نخواهند داشت!

پنجره

پوشش ۳۰ درصدی هزینه‌ها

شرق: تورم دارد تمام سوراخ و سنبه‌های اقتصادی کشور را درمی‌نوردد. هیچ جای آبادی نگذاشته است. این روزها به وفور آدم‌هایی را می‌بینید که کاسه «چه کنم» دست گرفته‌اند. همین چند روز پیش آقای راننده داشت با منت می‌گفت: فقط ورودی کرایه تاکسی شده است «...» گفت: شورای شهر این را اضافه کرده؛ یعنی رسماً ۴۵ درصد به کرایه‌ها اضافه کرده است. دست من راننده نیست که!

پاسخ به او این بود که خب با افزایش ۳۵ درصدی حقوق افزایش دست‌کم ۴۵ درصدی قیمت تمام کالاهای مورد نیاز را چطور باید پرداخت و آقای راننده فقط خنده تحویل داد. این یعنی اینکه از این پس باید اعصابی نه‌چندان آباد در همه شتون داشته باشیم.

نادر مرادی، از فعالان کارگری نیز این موضوع را تأیید کرده است. او با اشاره به وعده‌های مهار تورم این را گفته است که: حتی اگر تورم از این به بعد مهار شود و قیمت‌ها تثبیت شود، باز هم فاصله عمیقی میان حداقل دستمزد و سبب معیشت حداقلی وجود دارد؛ در واقع اثر تجمیعی تورم ماه‌ها و سال‌ها باید با افزایش دستمزد از میان برداشته شود. او که با ایلنا به گفت‌وگو نشست، به اعداد و ارقام و البته تاریخ اشاره داشته است: با هر متر و معیار حداقلی که حساب کنیم، سطح پوشش دستمزد به زیر ۳۰ درصد رسیده است. داده‌ها نشان می‌دهد در دوره ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۰، سبذ هزینه خانوار، چهارهزارو ۲۰۰ برابر گران شده؛ اما دستمزد فقط هزارو ۷۹۵ بار رشد کرده و این یعنی قدرت خرید مزدبگیران به دلیل عقب‌ماندن دستمزد از تورم، ۵۸ درصد کاهش داشته است.

Close
the care
gapICCD
International Child Care
Development Centerروز جهانی
سرطان
4 فوریه

فاصله را شما پر کنید!

در تأمین ۱۵۰ میلیارد تومان هزینه‌ی خرید

دو دستگاه رادیوترابی مشارکت کنیم



گزینه نیکوکاری اپلیکیشن آپ